

Explaining the Status and Function of the Anti-Discourse in the Historical Novel *Damgostaran* or *Enteghamkhahan-e Mazdak*

Jafar Fasaei  *

Ph.D. in Persian Language and Literature,
University of Hormozgan, Bandarabbas, Iran

Faramarz Khojasteh 

Associate Professor, Department of Persian
Language and Literature, University of
Hormozgan, Bandarabbas, Iran

Seyed Ali Seraj 

Associate Professor, Department of Persian
Language and Literature, University of
Neyshabur, Neyshabur, Iran

Abstract

Studies on historical novels due to not paying attention to the origin of the text and parallel discourses consider the historical novel as the nostalgic return of Iranian society to the myth of the Golden Age and it has been explained with macro-narratives and concepts such as nationalism. This article has been done based on *Damgostran* and by the method of qualitative content analysis in the context of the application of critical discourse analysis. So by analyzing *Damgostaran* on several levels, another reading of this genre has been presented. In this research, based on the above story, the central meanings of the work have been identified as an independent text and these meanings have been transferred to the original context in order to determine the originality of the meaning in that context. After tracing this meaning in a historical course, it returned to the era of the creation of the work, and this time the transformed meaning has been evaluated in a new context and an intertextual-interdiscursive relationship. Finally, the relationship between the text and the prevailing discourses is explained. The result of *Damgostran*'s study is that this is not a conservative work. Rather, it belongs to the most radical discourses of the author's time. In this reading, a seemingly mundane work and a dead story, along with other homogenous components, form a discourse that is more than anything else a cry of protest against the consolidation and expansion of the global capitalist system that at the end of the 19th century slowly spread the shadow of injustice and inequality on the thin body of the new world.

Keywords: Historical Novel, *Damgostaran*, Abdolhossein Sanatizadeh Kermani, Active anti-discourse, Negative Nostalgia, Discourse Analysis.

* Corresponding Author: jfasaei@yahoo.com

How to Cite: Fasaei, J., Khojasteh, F., Seraj, S. A. (2023). Explaining the Status and Function of the Anti-Discourse in the Historical Novel *Damgostaran* or *Enteghamkhahan-e Mazdak*. *Literary Text Research*, 27(95), 125-154. doi: 10.22054/LTR.2021.52973.3076



تبیین جایگاه و عملکرد پادگفتمانی رمان تاریخی دامگستران یا انتقام خواهان مزدک

جعفر فسایی * دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

فرامرز خجسته دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

سیدعلی سراج دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

تحقیقات صورت گرفته پیرامون رمان تاریخی به دلیل عدم توجه به خاستگاه، تبار متن و گفتمان‌های موازی، آن را نوعی «مخدر فرهنگی» و عقب‌گرد نوستالژیک جامعه سرخورده ایرانی به اسطوره عصر طلایی می‌دانند و با کلان‌روایت‌ها و احکامی کلی از قبیل ناسیونالیسم به توضیح و تأویل آن پرداخته‌اند. نوشتار حاضر با مبنا قرار دادن *دامگستران* و با روش تحلیل محتوای کیفی در چارچوب کاربست تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است؛ بر این اساس با تحلیل *دامگستران* در چند سطح، قرائت دیگری در کنار سایر قرائت‌ها از فلسفه وجودی این ژانر ارائه شده است؛ از این منظر با تکیه بر این داستان به عنوان یک متن مستقل، معناهای کانونی اثر شناسایی شده‌اند. سپس این معانی به بافت اصلی منتقل شده‌اند تا اصالت معنا در آن بافت مشخص گردد. پس از ردیابی این معنا در یک سیر تاریخی به عصر آفرینش اثر بازگشت نموده و این بار معنای دگردیسی شده در بافتار جدید و در یک رابطه بینامتنی - بیناگفتمانی مورد ارزیابی قرار گرفته است و در مرحله پایانی نسبت متن با گفتمان‌های حاکم تبیین شده است. نتیجه بررسی *دامگستران* بیان‌کننده این حقیقت است که این متن نه متنی محافظه کارانه و معطوف به نوعی «نوستالژی منفعلانه» بلکه متعلق به رادیکال‌ترین گفتمان‌های عصر نویسنده است. در این خوانش یک اثر به ظاهر پیش‌پا افتاده و یک داستان مرده، در کنار سایر اجزای همگن، گفتمانی را صورت‌بندی می‌کنند که این گفتمان بیش از هر چیز فریاد اعتراضی است نسبت به تثبیت، بسط و گسترش نظام سرمایه‌داری جهانی که در پایان قرن نوزدهم به آرامی سایه شوم بی‌عدالتی و نابرابری را بر پیکره نحیف جهان جدید می‌گسترانید.

کلیدواژه‌ها: رمان تاریخی، دامگستران، عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی، پادگفتمان فعال، نوستالژی منفعل، تحلیل گفتمان.

مقدمه

۱. تعریف مسئله

رمان به عنوان صورت ادبی غالب در جهان جدید از سینه تغییر و تحولات این دوره و معادلات پیچیده حاکم بر آن بیرون آمده و به عنوان یکی از مظاهر مدرنیته-به مثابه امری جهان‌روا- به درون فضاهای فرهنگی جوامع پیرامونی وارد شده است؛ جامعه فرهنگی ایران نیز در دوران مشروطه، غالباً متأثر از نوسانات مدرنیته غربی، ژانر رمان را با فضل تقدّم رمان تاریخی در دامن خود پذیرفته است؛ بنابراین رمان تاریخی محصول بافتاری خاص موسوم به دنیای مدرن است. برخی معتقدند که عواملی از جمله تبعیت کردن از آثار غربی، تزلزل سیاسی و آشفتگی‌های اجتماعی عصر مشروطه در پیدایش چنین ژانری نقش اساسی داشته‌اند (نک. غلام، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۳). در این قرائت نخست به مؤلفه ترجمه رمان‌های تاریخی غربی در فضای فرهنگی و ادبی ایران استناد می‌شود و سپس به آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های دوران مشروطه ارجاع داده می‌شود. مراد از آشفتگی‌های دوران، تشتت و ازهم گسیختگی شیرازه امور در اواخر دوران قاجار است که زمینه را برای گرایش به ایده ناسیونالیسم و عطف توجه به گذشته‌های درخشان، به مثابه رهیافتی مؤثر و مفید در جهت همگرایی فراهم می‌ساخت. از این چشم‌انداز، رمان تاریخی محصول مستقیم دورانی محسوب می‌شود که طغیان‌ها و ستهندگی‌های اجتماعی و فشار نیروهای خارجی، تمامیت و استقلال ایران را تهدید می‌کرده است. کاملاً گویا است که ارجاع به گذشته‌های سرشار از اقتدار و سربلندی، بیش از هر چیز به معنای نوعی نوستالژی منفعلانه است. این قرائت از رمان‌های تاریخی به عنوان پذیرفته‌شده‌ترین و رسمی‌ترین قرائت مطرح شده است. نوشتار پیش‌رو بر آن است تا با تحلیل نمونه‌ای از رمان‌های تاریخی، پیوند محکم برقرار شده میان رمان تاریخی، ایده ناسیونالیسم و نوستالژی را تا حدودی سست نموده و به عوامل دیگری ارجاع دهد که این عوامل علاوه بر ایجاد تشکیک در بافتار تعیین شده برای ظهور این ژانر، چشم‌اندازی می‌گشاید که کارکردهای آن نیز تا حدود زیادی مشمول تغییر می‌شود. رمان انتخاب‌شده، *د/مگستران یا انتقام خواهان مزدک* نام دارد. این اثر متشکل از دو جلد است؛

نگارش جلد نخست در سال ۱۲۹۰ انجام شده و در سال ۱۲۹۹ به چاپ رسیده است و جلد دوم در سال ۱۳۰۴ چاپ شده است. این رمان از نخستین آثاری است که در ژانر رمان تاریخی فارسی نگاشته شده است و دلیل انتخاب آن علاوه بر داشتن فضل تقدّم، قرار گرفتن در یکی از مهم‌ترین دوره‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی ایران یعنی سال‌های مقارن با گذار جامعه از قاجاریه به پهلوی است.

۲. روش پژوهش و مبنای نظری

پیش از هر چیز اشاره به دریافت نگارندگان از متن ضروری به نظر می‌رسد؛ رویکردهای غالب متن را به مثابه گزاره‌هایی ارزیابی می‌نمایند که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، عهده‌دار بازنمایی اندیشه و امری هستند. در این خوانش که نازل‌ترین سطح مواجهه با متن محسوب می‌شود، متون ادبی عموماً کارکردی آیینگی دارند. پرواضح است که متون ادبی در چنین بافتاری بیش از هر چیز به عنوان الگوهای انتزاعی و فاقد عاملیت معرفی می‌شوند. در نوشتار پیش‌رو با گذار از چنین دیدگاه‌هایی، متن را به مثابه مجموعه‌ای از پراکتیس‌ها فهم کرده‌ایم که واجد پویایی و کنشگری است. با چنین برداشتی از متن، نوشتار حاضر در پی شناخت عوامل ظهور و عملکرد یکی از نخستین نمونه‌های رمان تاریخی فارسی است. برای این منظور رهیافت انتقادی نورمن فرکلاف چشم‌انداز مناسبی برای تحلیل متن می‌گشاید چراکه طبق این الگو، در تحلیل نهایی نسبت متن با سایر گفتمان‌ها مشخص می‌شود و به اعتبار قرارگرفتن در ظرف مناسبات قدرت، عملکردهای ایدئولوژیک آن نمایان‌تر می‌گردد. فرکلاف گفتمان را تلفیقی از تحلیل متن، تحلیل فرآیندهای تولید و توزیع و مصرف متن و تحلیل اجتماعی-فرهنگی رخداد گفتمانی به عنوان یک کل می‌داند (نک). یورگنسن و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۷). درحقیقت فرکلاف نیز درست در راستای فلسفه و رسالت ذاتی تحلیل انتقادی گفتمان، سعی در نمایش و ارزیابی متون در ظرف مناسبات قدرت دارد و اینکه متن به چه سان و با چه کیفیت مشخصی، قدرت را در میان افراد و گروه‌های اجتماعی به جریان می‌اندازد. از نظر فرکلاف فرآیند تحلیل گفتمان به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح اول، توصیف: گفتمان به مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب

واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله؛ سطح دوم، تفسیر: گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (بحث از تولید و مصرف متون)؛ سطح سوم، تبیین: گفتمان به مثابه زمینه‌ای که این سه مرحله (متن، تعامل بین مرحله تولید و تفسیر و زمینه اجتماعی) در آن بررسی و تحلیل می‌شوند (نک. آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹). بر همین اساس تحقیق حاضر رمان تاریخی *دامگستران* را در این سه سطح مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد. انتخاب این روش برای ارزیابی رمان تاریخی *دامگستران*، از این رهگذر اهمیت دارد که متن را از حالت تعلیق رها کرده و در چارچوب قدرت بررسی می‌نماید. از این طریق می‌توان به عامل یا عوامل اصلی و مهم ظهور یک ژانر و در اینجا رمان تاریخی دست یافت.

۳. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اهمیت تحقیق حاضر را از دو منظر می‌توان به بحث گذاشت؛ نخست اهمیت تحقیق در رمان تاریخی به اعتبار قرار گرفتن این ژانر در ذیل ادبیات و هنر عامه پسند و سپس تمرکز بر آن به عنوان یک گفتمان مستقل؛ در وجه نخست، می‌توان گفت که این حیطه در دوران جدید به نوعی صحنه مبارزه تبدیل شده است، به طوری که در آن معانی برای حیات خود مبارزه می‌کنند و ایدئولوژی‌های حاکم به چالش کشیده می‌شوند (نک. استریناتی، ۱۳۸۸: ۲۸۴). در وجه دیگر می‌توان به طیف گسترده مخاطبین این ژانر و ضریب نفوذ و بُرد آن در جامعه ارجاع داد.

۴. پیشینه پژوهش

پیرامون تحلیل گفتمان پژوهش‌های ارزشمندی انجام پذیرفته است. آقاگل زاده در مقاله‌هایی با عنوان «کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده خواهران اثر جیمز جویس» (۱۳۸۹)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان» (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» (۱۳۸۶)، به کارآمدی این رویکرد در بررسی و تحلیل آثار ادبی اشاره کرده است؛ تحقیقاتی نیز انجام گرفته است که

الگوی تنوریک خود را از فرکلاف اخذ کرده‌اند؛ سیدعلی سراج (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل گفتمان غالب در رُمان‌های سیمین دانشور» به کشف جهان‌بینی دانشور و معانی نهفته در لایه‌های پنهان رُمان‌های او پرداخته است. ربّانی (۱۳۸۶)، در پایان‌نامه «تحلیل گفتمان انتقادی، یکی بود یکی نبود جمالزاده»، با استفاده از رویکرد فرکلاف به بررسی مجموعه یکی بود و یکی نبود جمالزاده پرداخته است. گرجی (۱۳۹۱) در تحلیل رُمان کولی کنار آتش از رهیافت فرکلاف استفاده کرده است. در حیطه رُمان تاریخی، لوکاچ (۱۳۸۸) مؤلف اثر مهمی است با عنوان رُمان تاریخی که به صورت مبسوط، زمینه‌های شکل‌گیری و سیر تحول رمان تاریخی را در غرب مدرن و در نسبت با سرمایه‌داری ترسیم کرده است. در زبان فارسی آرین‌پور (۱۳۸۷)، یوسفی (۱۳۷۰)، میرعابدینی (۱۳۸۰)، آژند (۱۳۸۴) به این حوزه پرداخته‌اند. در پایان اثر پژوهشی مهم و مستقل دیگر رُمان تاریخی، سیر و نقد و تحلیل رُمان‌های تاریخی فارسی از ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲ اثر محمد پارسانسب (۱۳۸۱) را می‌توان برشمرد. در این اثر به صورت خلاصه می‌توان بر این امر انگشت نهاد که نویسنده، معنا را در متن جستجو کرده است بنابراین در نظر نویسنده یگانه منبع معنا، رمزگان و نشانگان درون متن است و دلیل این ادعا نیز لحاظ نکردن گفتمان‌های موازی و بعضاً متخاصم در رُمان‌های تاریخی است. تحقیق مستقل دیگر در حوزه رُمان تاریخی، اثر ارزشمند کامران سپهران (۱۳۸۱) با عنوان ردّ پای ترلزول: رُمان تاریخی ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰ است. سپهران برخی از رُمان‌های تاریخی مقطع زمانی ۱۳۲۰-۱۳۰۰ را از دریچه دولت-ملت بررسی و تحلیل کرده است.

۵. اهداف پژوهش

تبیین پیوند و ارتباط معنایی د/مگستران با بافت سیاسی / اجتماعی و گفتمان‌های مسلط. کشف جهان‌بینی نویسنده و نشان‌دادن رابطه نویسنده متن و خواننده. به‌دست دادن تعریفی از ماهیت و کارکرد رُمان تاریخی به‌مثابه یک ژانر زنده و پویا.

۶. تحلیل ساختار، عناصر و بافتارهای د/مگستران

توجه به بافتار داستان امر تعیین کننده‌ای در فرایند معناشناختی است؛ بنابراین بافت موقعیتی رُمان در سه بخشِ موقعیت تاریخی، موقعیت مکانی/ جغرافیایی و موقعیت جامعه‌شناختی تحلیل می‌شود و در بخش دیگر، تحلیل گفتمان انتقادی رُمان، مطابق با فرضیه‌های تحقیق در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، پیوند میان عناصر فرامتنی با چارچوب متن که بیانگر دیدگاه‌های ایدئولوژیک نویسنده است، بررسی خواهد شد.

۶-۱. نشانه‌شناسی عنوان و ساختار اثر

عنوان این اثر *د/مگستران یا انتقام خواهان مزدک* است؛ چنانچه از این عنوان برمی‌آید دو صفت به یک گروه اجتماعی اطلاق شده است؛ نخست کسانی که با طراحی نوعی ثنوری توطئه باهدف به دام انداختن شخص یا اشخاصی به کنش‌هایی اعم از اخلاقی یا غیراخلاقی دست می‌زنند؛ بنابراین عنوان «دام گسترده» در سطح ژرف ساخت خود نوعی بار معنایی منفی به همراه دارد. از طرفی، صفت «انتقام خواهی» بار معنایی منفی پیشین را تا حدودی خنثی می‌کند؛ درحقیقت انتقام در معنای مصطلح عبارت است از کنشی عموماً منطقی در جهت تدارک ظلم و ستمی که به فرد یا گروهی روا داشته شده است. بدین ترتیب «انتقام خواهی» امری هم از نظر عرفی و هم از نظر شرعی پذیرفته شده و معمول است، کما اینکه در گفتمان‌های دینی انتقام و یا قصاص، لازمه زندگی معرفی شده است؛ بنابراین «انتقام جویی»، کنش متقابل مظلوم در برابر ظلم ظالم است که از نوعی عاملیت و کنشگری در مقابل گفتمان حاکم نیز خبر می‌دهد. این معنی در نام‌گذاری محل سکونت این طیف نیز متبلور است؛ محله صیادان که در داستان به عنوان محل سکونت مزدکیان معرفی شده است، می‌تواند این گمانه را تقویت کند؛ در داستان هیچ پیوند معناداری میان مفهوم «صید» و «صیادی» و «محله صیادان» با مصادیق بیرونی وجود ندارد. در سیاق متن به کارگران ساختمانی که به دستور یزدگرد برای ساختن خوابگاه سرّی فراخوانده می‌شوند، اشاره شده است و آن‌ها در مقطع مهمی از داستان فراخوانده شده‌اند، اما صید و صیادی در داستان اساساً موضوعیتی ندارد. به نظر می‌رسد که انتخاب عنوان «محله صیادان» به جای «محله

کارگران» نوعی خارج کردن این گروه اجتماعی از انفعال معمول نهفته شده در لفظ «کارگر» و عاملیت بخشیدن بدان با انتخاب نام «صیاد» است که در وجه دیگر توجه به کنشمندی و انگیزتگی این گروه اجتماعی است. به بیان دیگر می توان از انتخاب این نام در کنار صفت «انتقام خواهی»، پتانسیل قدرت براندازانه مزدکیان را برداشت نمود.

۶-۲. شخصیت پردازی

شخصیت پردازی در *دامگستران* چندان یکدست به نظر نمی آید؛ برخی منفعل و ثابت و برخی فعال و کنشگرند. به عنوان نمونه منش و کنش یزدگرد در طول داستان نسبتاً یکسان و ثابت است. در این میان می توان به شخصیت هایی اشاره کرد که در یک سیر صعودی قرار دارند و در پایان داستان به طور کلی تحوّل می یابند که از آن میان می توان به بالوی، هرمزان و آفتاب اشاره کرد؛ بالوی در داستان نمود ویژه ای دارد و در جلد دوم رُمان دچار تغییر شده و به ماهوی تبدیل می شود؛ این شخصیت کارگر ساده ای است که از پویایی و به اصطلاح دینامیک قابل توجهی برخوردار است (صنعتی زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۹۸) و این عاملیت نشان از نفوذ گسترده و بالای مزدکیان دارد. این نحوه شخصیت پردازی مسئله بسیار مهم و قابل توجهی را در بن خود پرورش داده است که ناظر بر دیدگاه های نویسنده است: تحوّل کارگری ساده به شخصیتی انقلابی و رادیکال که در پی براندازی یک سلسله نیرومند است. هرمزان نیز یکی از نزدیک ترین افراد منتسب به رأس قدرت سیاسی است و به عنوان ولیعهد در داستان معرفی می گردد؛ او با گرایشی که به مزدکیان دارد شکل دهنده یک کانون توطئه در داستان است. شخصیت وی نیز دچار تحوّل می گردد و تاجایی پیش می رود که خلیفه مسلمین را به قتل می رساند.

آفتاب زنی است که در داستان کنش یکدست و ثابتی ندارد بلکه شخصیت او به طرز قابل توجهی دچار تحوّل می شود؛ در این داستان از یک طرف دیدگاه کلیشه ای مبتنی بر فتّانگی زن بازتولید شده است اما از طرف دیگر زن با آن روایت سنتی رایج از مزدکیه که بر اساس آن ملکی مُشاع محسوب می شده اند، بسیار فاصله دارد و همین مسئله در برداشت صحیح تر از متن کمک می کند. در حقیقت چنانچه پس از این خواهد آمد در تمامی

روایت‌های کلاسیک، مزدکیان به دلیل دیدگاه‌های خاصشان پیرامون زنان، محل هجو و طعن بوده‌اند اما در این داستان و در شخصیت آفتاب به‌عنوان فردی از بدنه سازمان مزدکیه، این مسئله نمود چندانی ندارد و از لابلای این شخصیت پردازی ایدئولوژی خاص نویسنده خودنمایی می‌کند.

در این رمان برخی شخصیت‌های خاکستری نیز ساخته و پرداخته شده‌اند؛ شخصیت خلیفه دوم مسلمین یعنی عمر بن خطاب این گونه است؛ نکوهنده‌ترین کنش این فرد در خصوص کتابخانه سلطنتی است (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۰۴: ۹۲) و به همین دلیل نویسنده او را به‌صورت ضمنی به ابرهه پیوند می‌زند (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۰۴: ۹۳). اما علاوه بر انتقادهایی که داستان بر عمر وارد می‌داند، بُعد دیگر این شخصیت را نیز بیان می‌کند که ناظر بر وجوه مثبت شخصیت اوست؛ عمر کسی است که متحدان و سربازان خود را «برادر» خطاب می‌کند و «ساده‌زیستی» او به‌عنوان یک ارزش بارها در داستان مورد تأکید قرار می‌گیرد (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۰۴: ۸۷-۸۸).

۳-۶. بافت موقعیت و جامعه‌شناختی

در این قسمت برخی از عناصر و مؤلفه‌های ضروری برای وارد شدن به مبحث تحلیل گفتمان برشمرده می‌شود و با تحلیل آن‌ها فضای نسبتاً روشنی از ماجرا و گفتمان‌های دخیل در متن عرضه می‌گردد.

۱-۳-۶. موقعیت تاریخی

د/مگستران از نظر تاریخی بازه زمانی سال‌های ۱۳ تا ۳۰ هجری را شامل می‌شود و از نظر سلسله‌های پادشاهی به خاندان ساسانی و حلقه‌نهایی این سلسله یعنی یزدگرد سوم مرتبط می‌گردد. این داستان با آغاز شکل‌گیری گفتمان اسلام و دوره خلافت عُمر موازی است. درحقیقت توضیح و توصیف موقعیت شکاف میان دو گفتمان و تضادها و تنش‌های آن عصر موضوع و دستمایه اصلی داستان قرار گرفته است و تمرکز رمان بیشتر معطوف بر

عوامل داخلی به وجود آمدن این بحران‌های بزرگ است، با گوشه‌چشمی بر تحرکات اعراب.

مسئله مهم دیگر تاریخ دوره آفرینش اثر است؛ *د/مگستران* متشکل از دو جلد است؛ نگارش جلد نخست در سال ۱۲۹۰ انجام پذیرفته و در سال ۱۲۹۹ چاپ شده است و جلد دوم در سال ۱۳۰۴ شمسی به چاپ رسیده است. این تاریخ به نحوی مقارن با سال‌های پایانی حکمرانی خاندان قاجار و تحویل قدرت به پهلوی اول است و علی‌رغم بحران‌های داخلی، در صحنه بین‌المللی نیز بسط و گسترش استعمار و سوداگری غرب در منطقه و وقوع جنگی جهانی‌گیر، یکی از چالش‌های مهم حکومت ایران به‌شمار می‌آمده است.

۶-۳-۲. موقعیت محیطی

توجه به بافت موقعیتی داستان در کشف و توضیح معانی موجود در لایه‌های مختلف داستان و تشخیص معانی کانونی داستان ضروری است.

۶-۳-۱. توجه به پدیده شهر

در این داستان با نمونه یک جامعه شهرنشین با محوریت قصر سلطنتی که خود نشان تمرکزگرایی است مواجهیم که با واقعیت‌های تاریخی نیز سازگار است (نک. خلعتبری، ۱۳۸۹: ۶۷-۶۸). توجه به شهرسازی و بسط و گسترش آن باعث ایجاد تحولات اجتماعی-سیاسی گسترده‌ای در ایران ساسانی بوده است که به تقویت نظام طبقاتی و شبه‌کاستی موجود منجر شده است. بر این مبنا فضای جغرافیایی رُمان در میان شهرهای غربی ایران از قبیل مداین، جلولا، ری و مرو با مرکزیت مداین در جریان است (نک. صنعتی‌زاده، ۱۲۹۹: ۵). در این فرایند غالب عناصر نظام شبه‌کاستی ساسانی در توصیف معماری شهر بازتاب داده شده است و در این میان به شکاف‌ها و تضادهای طبقاتی و انعکاس آن در معماری شهر نیز اشاره شده است. (نک. صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۲۹۹: ۳-۴). از این شیوه پرداخت می‌توان چنین استدلال کرد که انتقاد از این ساختار موکد نابرابری، به‌معنای انتقاد از حاکمیت یزدگرد و تمایل به عناصر مزدکی است.

۶-۳-۲. نقب‌های زیرزمینی

در *د/مگستران* مخالفان قدرت مرکزی، گردهمایی‌های خود را در مکان‌های مرموز حفر شده در زیر زمین برگزار می‌کنند. در حقیقت داستان مطابق روایت‌های رایج به‌خوبی مزدکیان را به‌عنوان یک سازمان زیرزمینی با سازوکارهای کاملاً پیچیده و مبهم تصویر کرده است که این کیفیت، ناظر بر فضای بشدت بسته، اختناق و عدم آزادی عمل مخالفان و اقلیت‌های مذهبی-سیاسی در بطن حکومت یزدگرد و سیاست‌های بسته اوست.

۶-۳-۳. زندان اهریمنان

در *د/مگستران* به مکانی با نام «زندان اهریمنان» اشاره شده است. اهمیت این مکان در داستان به‌گونه‌ای است که فصل ششم جلد نخست به آن اختصاص داده شده و در فصل هفتم نیز ماجرای فرار مزدکیان از این محبس مخوف مطرح است (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۴۳). در این جایگاه خیل انبوه مخالفان حاکمیت و مشخصاً مزدکیان در غل و زنجیر هستند. از توصیف این مکان می‌توان گرایش خاص نویسنده و نیز فضای بسیار بسته و راکد برای فعالیت‌های مخالفان و اقلیت‌های مذهبی و سیاسی را برداشت کرد.

۶-۳-۴. خوابگاه سرّی یزدگرد و بحران امنیت

در داستان باوجود اینکه مداین و قصر سلطنتی کانون قدرت سیاسی-نظامی یزدگرد است، کانون خطر و بحران نیز به‌شمار می‌آید؛ خوابگاه سرّی بیشتر به‌منظور در امان ماندن از توطئه‌های درباریان بنا شده است و از اوضاع متزلزل و آشفته دربار ایران در زمان حکومت یزدگرد سوم خبر می‌دهد.

۶-۳-۳. موقعیت جامعه‌شناختی در *د/مگستران*

چنانچه آمد مطابق با شواهد و روایات تاریخی، جامعه ایران ساسانی مبتنی بر نوعی نظام طبقاتی بوده است (نک. کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۴۲۸-۴۴۰). توجه به این ساختار در فهم دقیق‌تر تحولاتی از نوع خیزش مزدک و شناخت عوامل انحطاط و سقوط نظام ساسانی

ضروری است. قشربندی اجتماعی در *د/مگستران* به خوبی به نمایش درآمده است که در ذیل سه عنوان بدان پرداخته می شود.

۶-۳-۳-۱. طبقه حاکم یا طیف اقتدارگرا

کانونی ترین لایه اجتماعی، هیئت حاکمه یا طیف اقتدارگرا است؛ هر میزان به عنوان ولیعهد، صدراعظم با نام ایاد و گروه منجمان و شخص لیرامه در کنار پادشاه، هندسه قدرت سیاسی را صورت بندی می کنند. در رأس طبقه حاکم یزدگرد سوم قرار دارد- که این امر با واقعیت های تاریخی هماهنگی کامل دارد - و مطابق داستان تمامی اختیارات مملکت در شخص شاه خلاصه می شود. در کنار مهره های اصلی، افراد دیگری همانند ملکه و برخی از فرماندهان نظامی و در نهایت شماری از موبدان زرتشتی نیز شخصیت های در سایه این گروه هستند. بدین ترتیب در بازنمایی طبقه حاکم با توجه به محدود بودن شمار اقتدارگرایان و طیف حاکم، نوعی ایمان به استبداد نظر و عمل حاکمان وجود دارد که فرهنگ تک صدایی ساسانیان را نمایان می سازد.

۶-۳-۳-۲. طبقه محروم یا طیف فرودست

گروه اجتماعی دیگر فقرا و فرودستان هستند؛ داستان با مقایسه و توصیف محل زندگی این گروه با ثروتمندان آغاز می گردد. در این توصیف آن چیزی که نظر نویسنده را به خود جلب می کند، اختلاف طبقاتی است که در ساختار اجتماع و به صورت مشخص در شهر مداین متجلی شده است (صنعتی زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۳۴). گفتنی است تقابل و کشمکش فقرا با اعیان و انتقام گرفتن از آن ها به ازای از دست دادن ارزش هایی چون وطن و ملیت، در داستان به خوبی بازنمایی شده است.

۶-۳-۳-۳. بیگانگان خارجی یا اشغالگران

در عرصه سیاست، ایجاد ضدیت ها چه به صورت حقیقی و چه به صورت فرمایشی و صوری موجب تولید «دیگری» می شود. این دیگری، ضمن مشخص کردن مرزهای «ما»، موجب

کم‌رنگ شدن تناقضات درونی و تقویت انسجام می‌شود. این مسئله در *د/مگستران* در حضور گروه اجتماعی سوم یعنی اعراب نمایان شده است.

۷. تحلیل گفتمان *د/مگستران* در سطح توصیف

بنابر آنچه گذشت می‌توان سه گفتمان کلی را تشخیص داد که در داستان به پیش می‌روند: اقتدارگرایان، نیروهای گریز از مرکز و اعراب. هر یک از این گفتمان‌ها از امکانات زبانی خاص برای بیان دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های موردنظر خود و برقراری نسبت با گفتمان‌های معارض و تشخیص حدود خود و دیگری استفاده می‌کنند. رمان چشم‌اندازی از این سه گروه را ترسیم کرده است که پس از دستیابی به دال مرکزی هر گفتمان، به نحوی جهت‌گیری نویسنده و ایدئولوژی نهفته در لایه‌های متن آشکار می‌شود.

۷-۱. تحلیل گفتمان اقتدارگرایان

تحلیل گفتمان در سطح توصیف از در کنار هم قرار گرفتن واژگان، اشخاص، نمادها و به اصطلاح هم‌آیی این عناصر، در پی یافتن معنایی پنهان است که از طریق این رهیافت می‌توان به دیدگاه‌های نویسنده نزدیک شد.

۷-۱-۱. شاهنشاه، ایران، یزدگرد، لیرامه

در ابتدای داستان از میان ملازمان پادشاه پیوند نزدیکی میان یزدگرد و لیرامه منجم وجود دارد (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۶). آنچه این تلازم معنادار بر آن صحه می‌نهد نوعی اعتقاد به مبانی ماورائی یا متافیزیکی در سیستم انتولوژیک و معرفت‌شناختی پادشاه و گفتمان حاکم است و از آن نوعی اندیشه تقدیرگرایی یا زروانیسم نیز برداشت می‌شود: «شاه نظری به جانب لیرامه نموده و گفت مقصودم از اینکه در این شب تو را بدینجا آوردم این است که به تو سفارش دهم که در ستارگان دقت نمائی و مرا از اینکه آیا بر آنان ظفرمند یا مغلوب می‌گردم مخبر سازی» (همان: ۷۵).

۷-۱-۲. یزدگرد، اساس سلطنت، ایران باستان، مملکت ایران

در *د/مگستران* جامعه ایران از درون به دو قطب کاملاً متمایز تقسیم شده است که در مقابل یکدیگر صف آرایی کرده‌اند؛ در یک طرف پادشاه و در طرف دیگر نیروهای گریز از مرکز. مطابق داستان، یزدگرد در مقام پادشاه، درحالی که می‌بایست حافظ جان و مال مردمان سرزمین خود باشد، به منظور در امان ماندن از توطئه‌های اطرافیان و حفظ جان خویش، چهار برادر بنا را که به صورت سمبلیک نماینده طبقه کارگر و قشر فرودست جامعه هستند، با جامی زهرآلود به قتل می‌رساند تا جهت‌گیری سیاسی و نسبت او با جامعه تحت سلطه‌اش مشخص گردد. با این وجود یزدگرد و گروه متمایل به او تنها افرادی هستند که به پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی ایران می‌پردازند. واژه «اساس سلطنت» و «مملکت» با نام «یزدگرد» گره خورده است و در مواضع مختلف داستان تکرار می‌شود (صنعتی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۶)؛ بنابراین گفتمان اقتدارگرایی با رنگ و لعاب ملی‌گرایی بازنمایی شده است و شخص یزدگرد این گفتمان را نمایندگی می‌کند.

۷-۱-۳. شاه، مخالفان داخلی، مزدکیان

تقابل میان اقتدارگرایان با مخالفان داخلی به صورت جدی از فصل سوم آغاز می‌شود. ولیعهد با گروه مزدکیان همراه شده و در صف مخالفین شاه قرار گرفته است؛ «ایاد می‌دانی که من چندان علاقه‌ای به این مملکت و تخت سلطنت ندارم» (همان: ۱۹). به این ترتیب نخستین زمره مخالفت از بدنه حکومت شنیده می‌شود؛ کما اینکه مکان توطئه نیز در محوطه قصر قرار دارد و چنانچه گفته آمد، این مسئله به صورت ضمنی، صحنه گذاشتن بر گزاره آغاز افول و ویرانی ساسانیان از خیانت عناصر درونی و نزدیکان به ساختار قدرت مرکزی است. مطابق داستان دلیل اصلی ظهور این مخالفان خودخواهی شاهنشاه و ظلم و ستمی است که به مردمانش روا داشته است. در فصل چهارم موسوم به «آفت پادشاهان چیست؟» مسئله مهمی نهفته است که دیدگاه نویسنده را در مورد عامل اصلی تقابل میان گفتمان اقتدارگرایی با مزدکیان مشخص می‌کند؛ از نظر نویسنده آفت اصلی و مهم پادشاهان ستم و جور بر محرومین و فقرا است.

۷-۱-۴. اقتدار گرایان، روحانیون زرتشتی

این دو مفهوم در جای جای داستان در کنار یکدیگر هستند؛ اما نویسنده ضمن انتقاد از ساختار سیاسی ساسانی که با قدرت دادن به این گروه، زمینه دخالت آنان در امور را فراهم کرده است، روایتی کاملاً بدبینانه نسبت به روحانیت زرتشتی عرضه کرده است: «بیشتر سبب انقراض دولت یا ملّتی که به کلّی رشته قومیتش گسیخته می گردد همین ظاهر میشان باطن گرگند که از قرن ها به این طرف همیشه ترقّی و سعادت ممالک را از راه غرض و خودسازی مبدل به بدبختی و ذلّت نموده اند» (صنعتی زاده، ۱۳۰۴: ۷۶).

۷-۱-۵. اقتدار گرایان، اعراب، خشونت

علاوه بر دشمنان داخلی تقابل اصلی دیگر در داستان میان گفتمان اقتدار گرایان و اعراب شکل گرفته است. در آغاز داستان و در حالی که هیچ نشانه ای از حضور مهمانان ناخوانده وجود ندارد، با نوعی تضاد معنایی، تقابل دو گفتمان مشخص می گردد؛ بدین ترتیب «ممالک مینوسرشت عجم»، «پایمال باد خزان» می شود؛ «فرشتگان رحمت و عدالت» در مقابل «اهریمنان و عفريتان» قرار می گیرد و یزدجرد که تا آن تاریخ «خوشبخت ترین» سلاطین عالم بود، از آن به بعد به «غمناک ترین» ساکنان قصر سلطنتی مملکت عجم تبدیل می شود و در نهایت «خوشبختی و نیک بختی» جای خود را به «وحشت و دهشت» می دهد (نک. صنعتی زاده کرمانی، ۱۲۹۹: ۳-۲).

۷-۲. تحلیل گفتمان مزدکیان

محور و هسته این گروه کارگران ساختمانی هستند؛ زمانی که یزدگرد با مشاهده نشانه های زوال دچار وحشت می شود ماجرای ساختن خوابگاه سرّی و مرگ این کارگران طرح می شود. بنّایان در حقیقت نماینده طبقه کارگر و به طور کلی گروه های فرودست هستند. با مرگ این گروه، جنبش مزدکیه که در رکود و سکون به سر می برد- زندانی شدن پدر این چهار برادر به عنوان یکی از بزرگان مزدکی حاکی از رکود و جمود این جریان است- جان تازه ای می یابد؛ در حقیقت عمل شخص شاه، جرقه ای بر خشم و خشونت متراکم

توده‌هاست. این عمل شاه و دیگر سیاست‌های ناکارآمد او، از جانب گفتمان مزدکیه به مطرح شدن مفاهیمی از قبیل ظلم، ظالم، مظلوم، منتج می‌شود (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۳۲؛ همان: ۳۴) و به دنبال آن واژه کلیدی دیگری با عنوان انتقام طرح می‌شود (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۳۱-۳۴).

۷-۳. تحلیل گفتمان اعراب

در این بخش به نحوه بازنمایی اعراب در رمان پرداخته می‌شود. اینکه اعراب به چه صورت در صحنه اجتماعی-سیاسی ایران وارد می‌شوند و چگونه تأثیری بر روند داستان می‌گذارند.

۷-۳-۱. برابری، برادری، همگرایی

مطابق با داستان، اعراب که در تقابل با گفتمان ملی‌گرایی طیف اقتدارگرا قرار دارند، علی‌رغم عقب‌افتادگی و در فقدان مدنیت، دارای انسجام و همبستگی قابل توجهی هستند. اگر ایرانیان در کشور خویش دچار گسست و تشتت و چندپارگی اجتماعی شده‌اند، در عوض اعراب با یکدیگر متحدند و در گفتمان آن‌ها به اعتبار همین همگرایی، از ضمایر جمع «ما» استفاده می‌شود. در خصوص نظر ایرانیان و دربار، در مورد اتحاد اعراب، در موضعی از داستان آمده است: «از عبارات و جمله‌های ساده این نامه چنین برمی‌آید که عمر خود را هم‌رتبه یک نفر سرباز دانسته و به آن‌ها برادر خطاب می‌کند» (صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۷۹).

اوج بازنمایی اتحاد اعراب در داستان در کلام سردار اسیر شده عرب، منعکس شده است. رستم از اسیر سؤالانی می‌پرسد در مورد اینکه اگر ابو عبیده از ایرانیان شکست بخورد، آیا از عربستان برای او کمک و قوای جدید خواهد رسید یا خیر؟ ابوطالب میان اعراب و زحمتکشان پیوند برقرار می‌کند و آنان را در تقابل با ثروتمندان گذارده و می‌گوید: «آری همان مزدوران هستند (دقیقاً جایی است که مزدکیان به اعراب متصل می‌شوند) که همه وقت شاهد فتح و ظفر را در آغوش می‌کشند. هرگز اشخاص متمول در

جنگ و جدال پای ثبات نمی فشارند. به اندک احساس سختی و صدمه رو به فرار می گذارند و برعکس همان مزدوران تا جان در بدن دارند در راه خدا پایداری می ورزند» (صنعتی زاده کرمانی، ۱۳۰۴: ۱۱)؛ بنابراین یکی از ابهامات اساسی در داستان رمزگشایی می شود و نویسنده به صورت ضمنی همان دوگانه دارا-نادر را در توضیح گرایش مزدکیان به اعراب بازآفرینی می کند.

۷-۳-۲. ایدئولوژی، دین، جهاد، شهادت

آنچه در مورد گفتمان اعراب بازنمایی شده است، تأثیر گزاره های ایدئولوژیک در موفقیت آنان در غلبه بر همسایگان و به صورت اخص ایرانیان است؛ در گفتمان این گروه نبرد با انگیزه جهان گیری به گزاره ایدئولوژیک «جهاد» تعبیر شده است (صنعتی زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۸۱-۸۲). بدین ترتیب تأکید بر وجود گزاره های ایدئولوژیک در گفتمان اعراب که به همگرایی آنها منتج شده است و در مقابل، تأکید بر خلأ ایدئولوژی در میان ایرانیان که نتیجه ای جز واگرایی و تشتت در بر نداشته است، نوعی نگاه تحلیلی-آسیب شناسانه نویسنده است.

۷-۳-۳. یزدگرد، کافر، مجوس

از نظرگاه اعراب به عنوان یک گفتمان متخاصم، ایرانیان به واسطه چند مسئله مهم مورد نقدهای صریح و تند قرار گرفته اند؛ نخست باورمند نبودن به آیین اسلام و جدی نگرفتن اصول و مبانی آن. به اعتبار این مسئله اعراب خود را در سرنگون ساختن قدرت مرکزی ایران محق می دانند (صنعتی زاده کرمانی، ۱۳۰۴: ۸۱). مسئله دیگر در سخن ابوطالب و خطبه عمر متبلور شده است: «پادشاهان عجم در عیش و عشرت هستند» (همان: ۱۳)؛ این عشرتی که از زبان ابوطالب بیان می شود همان است که نویسنده در فصل نخست نیز بر آن تأکید داشته و به خاطر آن، اشرافیت ساسانی را مورد بازخواست قرار داده بود.

۷-۴. تطابق و هماهنگی واژگان با فضای تاریک حاکم بر رُمان

حوادث و رویدادهای رُمان *دامگستران* در زمینه‌ای از تاریکی و سیاهی جریان دارند که بیانگر فضای آشفته و ناگواری است که گریبانگیر حاکمیت و جامعه ایران اواخر دوران ساسانی است. نویسنده این فضا سازی را در ارتباط با تمامی ایرانیان و شخصیت‌های ایرانی که در داستان حضور دارند به کار می‌برد تا شمول و عمومیت فلاکت را گوشزد کند. (نک. صنعتی‌زاده کرمانی، ۱۳۹۹: ۱۶).

۸. دامگستران در سطح تفسیر

متون مختلف از منظر تحلیل گفتمان، محصول یک دوره تاریخی هستند و بدین دلیل با مجموعه متون و گفتمان‌های همگن خود وارد تعامل می‌شوند. در اینجا مسئله بینامتنیت مطرح می‌شود که در سطح تفسیر به درک صحیح‌تر متن کمک می‌کند. درخصوص رمان‌های تاریخی، مسئله مقداری پیچیده است و به بررسی‌های همه‌جانبه متن و زمینه‌های اجتماعی نیاز دارد. به منظور نمایش موارد بازتولید شده توسط رمان تاریخی به عنوان هدف این تحقیق، می‌بایست نخست با ارجاع به اصل ماجرا و به دست دادن تصویری نسبتاً دقیق از آن در موقعیت و بافتار تاریخی، جایگاه اثر را در آن زمینه مشخص کرد و سپس با انتقال به عصر نویسنده یعنی دوران مشروطه، فلسفه تولید متن و همچنین کاربرد و مصرف متن در بافت اجتماعی - تاریخی جدید را تبیین نمود.

۸-۱. بررسی ماهیت مزدکیان و دیالوگ *دامگستران* با پدیده مزدک

نخست از منظر تاریخی با نوعی رویکرد تبارشناسانه، اندیشه، روش و کنش مزدک و خیزش مزدکی مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا پس از ترسیم این نمودار تحول، ماهیت واقعی آن‌ها در *دامگستران* مشخص گردد.

۸-۱-۱. دورنمایی از پدیده مزدک و تحرکات مزدکیه

پدیده مزدک از بنیاد محل مناقشه است؛ در خصوص بنیان‌گذار اندیشه مزدکی برخی از منابع اسلامی از شخصی به نام «زراشت پسر خرگان» نام می‌برند که «موبدی از اهالی فسا» بوده است (نک. یارشاطر، ۱۳۶۲: ۱۰) و برخی دیگر از منابع، از شخصی به نام «بندوس» یاد می‌کنند که در رُم پدید آمده است و پس از مهاجرت به ایران، پیام‌آور اندیشه‌های تازه و نظم نوین شده است (همانجا).

مزدک که از بدنه روحانیت بود تمهید ویژه‌ای داشت؛ «مزدک تضاد (دوگانگی) را در جامعه ابدی نمی‌داند. مزدکیان در طی قرون به این امر پی بردند که نور از ظلمت تصادفی جدا نخواهد شد و به دنبال این تحول جهان‌بینی، بینش سیاسی خود را نیز عوض کردند» (خسروی، ۱۳۶۹: ۵۶). این عقیده که ظلمت از روشنایی و نور به صورت تصادفی جدا نمی‌شود، متضمن حکمی انقلابی است؛ «فلسفه مزدک با نوعی تأویل‌گرایی در تحلیل نهایی به مساوات و ایده برابری اجتماعی می‌انجامید» (نفیسی، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۳). گریشمن در این باره می‌گوید: «نظریه اجتماعی مزدک که مبتنی بر مساوات در تقسیم ثروت بین افراد بشر بود، انظار را جلب می‌کرد» (گریشمن، ۱۳۷۲: ۳۶۱-۳۶۲). به طور کلی، وضعیت نابسامان اقتصادی (نک. نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۲۲-۲۲۳)، حاکمیت ایدئولوژی (نک. دیاکونوف، ۱۳۸۰: ۳۲۷)، انباشت ثروت و تراکم قدرت در سازمان روحانیت (نک. کریستن سن، ۱۳۶۸: ۱۷۴) و قشربندی اجتماعی و نظام طبقاتی (نک. نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۵۲) از عوامل بروز و ظهور مزدکیان بوده است.

۸-۱-۲. تحلیل پدیده مزدک

مزدک در درجه نخست خواستار اصلاحات دینی و اجتماعی در جامعه بحران‌زده و رو به انحطاط اواخر حکمرانی ساسانیان، به نفع طبقات محروم و فرودستان دردمند بوده است. به باور زرین کوب: «مزدک همانند زرتشت می‌خواسته است ندای اصلاح آیین کهن را که به عقیده او به سبب اغراض و مفاسد موبدان، آلایش یافته بوده است، در دهد و آیین واقعی زرتشت را با بعضی اصلاحات، باز زنده کند» (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۱۷۸). این حرکت

اصلاح طلبانه در پایان به وسیله طراح اصلی سرکوب یعنی خسرو انوشیروان عادل ناکام شد. پس از سرکوب مزدکیان، به دستور خسرو انوشیروان، قرائتی رسمی برای تخریب و تخطئه آنان ارائه شد. مطابق با این کلان روایت، مزدک و مزدکیه تجسم بدآیینی، بزه کاری، آشوبگری و هنجارشکنی است (نک. کلیما، ۱۳۷۱: ۵۰-۸۵)؛ بنابراین، چهره مزدک از این تاریخ تا دوران قاجاریه به همین صورت مخدوش و منفی تکرار و بازتولید شده است (نک. یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۰۱؛ مسعودی، ۱۳۴۴: ۲۵۸؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ۶۷۲-۶۷۳؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۸۵؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۸۴).

این قرائت تا دوران معاصر غلبه داشته است. در این بین چند تن از روشنفکران دوران قاجار خوانش متفاوتی از خیزش مزدکی ارائه کرده اند که از میان آنها می توان به میرزا فتحعلی آخوندزاده و مهم تر از او میرزا آقاخان کرمانی اشاره کرد؛ آقاخان کرمانی معتقد است: «اعتقاد مزدک به عینه همان اعتقاد نهیلیست ها و آنارشیت های اروپا است که مساوات مطلقه را در میان افراد بشر جاری کردن می خواهند و می گویند باید همه مردم عموماً چنانچه از تنفس هوا و فوز کواکب و استشمام نسیم و نظارت دریا و کوه و تفرج صحرا و بوستان بالتساوی متلذذ می شوند، از سایر نعمات طبیعی و عطیات الهی نیز به همین نسبت مستفید شوند و در میان جمعیت های بشریه فرق و اختلاف روی ندهد» (کرمانی، ۱۹۰۶: ۵۱۷-۵۱۸). کرمانی پس از تشریح فلسفه مزدک به نوعی تجسم اندیشه سیاسی و درواقع آرمان خود را در مزدک می یابد (نک. همان: ۵۲۳)؛ بنابراین مزدک از شخصیتی هنجارشکن و برهم زننده نظام های ارزشی به نمادی از مطالبه گری و عدالت خواهی تبدیل شده است.

۸-۲. د.مگستران و سوسیالیسم ایرانی در عصر مشروطه

بنابر آنچه گفته شد در عصر جدید یعنی هم زمان با رویارویی و برخورد فرهنگ ایران با فرهنگ های غربی، ذهنیتی که از مزدک وجود داشت به کلی ویران شد. درخوانش جدید، مزدک تداعی گر سوسیالیسم آرمانی و سمبل عدالت خواهی، آزادی و اقدامات رادیکال علیه ساختارهای قدرت حاکم است.

در دوره مشروطه اندیشه‌های سوسیالیستی کاملاً در فضای فکری ایران حضور داشته است. در این دوره تغییرات الگوی اقتصاد که نتیجه مستقیم برخورد با دولت‌های غربی و سرمایه‌داری بین‌المللی بود، جامعه ایران را به مجموعه‌ای سرشار از تضاد و تناقض بدل کرد و در این میان از اواسط سده نوزدهم کارگران ایرانی که در فقر مطلق قرار داشتند، ایران را به امید دستیابی به شغل و حرفه ترک کردند و به صورت گسترده به مهاجرت‌های ناخواسته تن دادند؛ «دهقانان و پیشه‌وران فلاکت‌زده ایران به آسیای میانه، قفقاز (به‌ویژه باکو) و حتی اسلامبول، دمشق، حلب، بغداد، هندوستان، زنگبار، هرات، مسقط، کراچی، ترکیه و حتی آمریکا مهاجرت می‌کردند» (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۲۴)؛ بنابراین همسایگان شمالی ایران مشخصاً شهرهای جنوب روسیه و قفقاز، اصلی‌ترین مقصد کارگران مهاجر روستائی ایران به‌شمار می‌رفت. مراغه‌ای می‌گوید: «این کارگران همه فعله و حمال‌اند مگر چهل پنجاه نفر که میوه‌فروش، آشپز و دست‌فروشد، مابقی سرگردان و محتاج قوت لایموت» (مراغه‌ای، ۱۳۶۲: ۴۹). کارگران مهاجر به تدریج با متأثر شدن از فضای اجتماعی روسیه و قفقاز که از کانون‌های مهم فعالیت احزاب سوسیالیست بودند، مقدمات و بستر سازمان‌های سوسیال-دموکرات را فراهم آورده و در بازگشت به ایران عقاید رادیکال خود را بسط و گسترش دادند (نک. آجودانی، ۱۳۸۲: ۴۱۱). بنابر آنچه گذشت در حقیقت *دامگستران* محصول مستقیم این چنین فضایی است که سخن گفتن از مزدک و مزدکیه به‌هیچ‌عنوان امری تصادفی و اتفاقی نبوده است.

۸-۳. *دامگستران* و پیوند با ادبیات کارگری

با ترسیم بافتار فوق به نظر می‌رسد که علاوه بر *دامگستران* می‌بایست حجم قابل توجه و معناداری از متون همگن نیز در این زمینه مساعد رشد کرده باشند. بر این اساس می‌توان در کنار *دامگستران* به ژانرهای دیگر و متون موازی دیگر ارجاع داد که این متون در یک رابطه بینامتنی و فضای گفتمانی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. از میان افرادی که در بازه زمانی موردنظر، در حوزه ادبیات سوسیالیستی قرار گرفته‌اند می‌توان به لاهوتی (نک. لاهوتی، ۱۹۴۶: ۱۴۳؛ زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۷؛ امینی، ۱۳۹۰: ۲۴۵-۲۳۹؛ شفیعی کدکنی،

۱۳۹۰: ۵۸-۵۷)، فرّخی یزدی (نک. رزمجو، ۱۳۶۶: ۳۱۳)، عارف قزوینی (نک. سپانلو، ۱۳۶۹: ۴۷۶؛ ناصر، ۱۳۸۲: ۱۱) و میرزاده عشقی (نک. قائد، ۱۳۸۰: ۶) اشاره کرد که به عبارتی پایه گذاران و پیش برندگان این نهضت هستند.

۹. د/مگستران در سطح تبیین

تحلیل گفتمان در سطح تبیین به معنای پرداختن به متن به عنوان نوعی «کنش اجتماعی» است و بر این اساس متن در پیوند مستقیم با ساختارهای اجتماعی مورد ارزیابی قرار می گیرد. در این پیوند مشخص می شود که ساختارهای اجتماعی چگونه در روند شکل گیری گفتمان دخالت دارند و اینکه این متون چه تأثیرات بازتولیدی در روند مناسبات قدرت ایفا می کنند (نک. یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۴). فرکلاف درخصوص مرحله تبیین با توجّه به این مسئله معتقد است: «هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). در این قسمت می بایست گفتمان یا گفتمان‌هایی که توسط متن تولید شده است در پرتو ساختارها مورد بررسی قرار گیرد تا تأثیر متقابل این مؤلفه‌ها مشخص گردد. این موارد در رمان تاریخی د/مگستران در چند محور اصلی مورد بررسی قرار می گیرد.

۹-۱. گفتمان سوسیالیسم

د/مگستران با خارج ساختن مزدکیه از یک چارچوب بسته و راکد که گفتمان‌های کلاسیک بانی و نماینده آن بوده‌اند و سپس با عاملیت بخشیدن به این عناصر، در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم نوعی گفتمان آزادی‌خواهی را بازتولید کرده است. این مسئله را می توان از دو زاویه متفاوت بررسی کرد؛ نخست در پرتو توجّه به ساختارهای جامعه ایران در آن دوران و سپس فرا رفتن از این ساختار و توجّه به ساختارهایی کلان همانند نظام سرمایه‌داری جهانی. در سطح اول می باید به این نکته توجّه نشان داد که آفرینش این اثر محصول مستقیم شرایط حاکم بر جامعه ایران اواخر سده نوزدهم است. درحقیقت شرایط اقتصادی و بحران‌های اجتماعی، در تولید چنین متنی سهم به سزایی داشته

است. اساساً برخورد با تحرکات آزادی خواهانه، در هر نظام معطوف به قدرت امری پذیرفته شده و معمول به شمار می آید. چنانچه در خصوص پیشینه سوسیالیسم مشخص شد ایرانیان در سال های پیش از مشروطه با اندیشه سوسیالیسم آشنا شده بودند. مهاجرین به صورت گسترده در قفقاز حضور داشتند و به دلیل درونمایه های مساوات طلبانه و عدالت محور این اندیشه آن را در خود پذیرفتند. فعالیت اجتماعیون عامیون و دیگر گروه های سوسیالیست موجب بسط این اندیشه در ایران بود اما برخی رفتارهای تندروانه که معتقد بودند می توان ایران را در کوتاه ترین مدت از شرایط استبدادی به بالاترین سطح سوسیالیسم رساند، سبب ایجاد موانعی شد که به توپ بسته شدن مجلس بخشی از آن بود. در دوره استبداد صغیر سوسیالیست ها در ایران فعالیت سازمانی جدی نداشتند و قلمروی فعالیت آن ها به برخی از شهرهای شمالی محدود می شد. تلاش برای اعاده مشروطیت سبب متوسل شدن به سوسیالیست های جهان شد و بدین ترتیب نیروهای موافق اعم از ایرانیان مهاجر و غیر ایرانیان باورمند، به شهرهای شمال ایران مانند گیلان و آذربایجان وارد شدند. ورود این افراد که شمیم رهایی را برای برخی به همراه داشت، موجب گرایش بیشتر به این اندیشه بود. چنانچه پیش تر نیز آمد برخی از احزاب در این دوره شکل گرفت و با انقلاب اکتبر حامی قدرتمندی یافتند اما وابستگی سوسیالیست های ایرانی به کشور مادر جایگاه آن ها را متزلزل ساخت و ضربه ای سخت بر عملکرد آنها وارد آورد.

در زمان ظهور رضاشاه نیز حاکمیت از این اندیشه روی گردان بود. او فعالیت احزاب سوسیالیست را منحل کرد و پس از مدتی آن ها را به شدت سرکوب کرد. حال اگر نیم نگاهی به *د/مگستران* داشته باشیم مسئله روشن می شود و جهت گیری متن در مقابل گفتمان حاکم ترسیم می گردد. نیروهای مزدکی با توجه به عاملیتی که در داستان برخوردار هستند، به عنوان نیرویی برانداز مطرح می شوند. در داستان مسئله اشتراک زن و دیدگاه های عقیدتی مزدکیان که در گذشته به بدعت، بزه کاری و الحاد تعبیر می شد، عملاً موضوعیت خود را از دست می دهد؛ درواقع مطابق داستان، این گروه بیش از هرچیز، به دنبال تحقق نوعی آرمان شهر هستند که مسیر آن تنها با درهم شکستن بی رحمانه ساختارهای قدرت سیاسی

ساسانیان هموار می‌گردد. بدین ترتیب تصویری که از این گروه ارائه شده است، به‌درستی تمایل نویسنده را به این اندیشه به نمایش می‌گذارد.

از منظر تحلیل گفتمان این متن در تقابل با گفتمان حاکم عصر به‌عنوان نوعی پادگفتمان عمل کرده است. به بیان دیگر گفتمان غالب در متن در پی درهم شکستن نظم گفتمانی مستقر است. در مقیاس وسیع‌تر نیز این متن به همراه متون همگن به‌مثابه مجموعه‌ای رادیکال که در بخش تفسیر به آن‌ها اشاره شد، به دنبال مقابله با بسط و گسترش نظام سرمایه‌داری در ایران و یا حداقل کند کردن سرعت آن بوده است.

۹-۲. گفتمان ناسیونالیسم

مطابق آنچه گذشت نوعی ناسیونالیسم مبتنی بر عرب‌ستیزی در داستان جاری است. در سطح توصیف، این مسئله مشخص شد که برجسته‌ساختن خشم و خشونت و نوعی واپسگرایی اعراب در برابر مدنیت ایرانیان و فرهنگ ایرانی، به‌منظور تقویت نوعی از ناسیونالیسم صورت گرفته است. برجسته کردن نکات منفی اعراب و در مقابل اشاره متعدد به مظاهر و نشانه‌های فرهنگی ایران همانند کتابخانه سلطنتی بر سویه ناسیونالیسم عرب‌ستیز داستان افزوده است اما برجسته‌ترین رگه معنایی متعلق به گفتمان سوسیالیسم است و ناسیونالیسم در مراتب بسیار پایین‌تر قرار می‌گیرد. کما اینکه در چندین موضع گرایش متن به اعراب و نوعی همگرایی با آنان، به‌اعتبار پاره‌ای از خصایل اخلاقی از قبیل ساده‌زیستی و اتحاد، به تحسین آنان منجر شده است.

۹-۳. نسبت د/مگستران با گفتمان مردسالاری

پیرامون عنصر زن و جنسیت در د/مگستران، مسئله‌ای که در سطح تبیین می‌بایست مورد توجه قرار گیرد این است که مطابق با روایت‌های کلاسیک-که در این رمان بازآفرینی شده است-، نقش زنان در مقابل نقش مردان بسیار کم‌رنگ‌تر است. از این چشم‌انداز، داستان در راستای تقویت ساختارهای نظام مردسالار است؛ خصوصاً در جایی که از خودکشی منفعلانه زن، نوعی اسطوره عشق و دلدادگی عرضه شده است؛ بنابراین، این

گفتمان محصول شرایط ویژه مردسالاری و تقویت‌کننده بی‌چون و چرای آن است؛ اما با این وجود نویسنده سعی کرده است با زدودن زنگار اتهام اشتراکی بودن زنان، از شأن و منزلت آنان پاسداری نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت رمان تاریخی *د/مگستران* یا انتقام خواهان مزدک، از غلامحسین صنعتی‌زاده کرمانی مورد تشریح و تحلیل قرار گرفت. توجه به تبار و اصالت درونمایه و دال مرکزی این متن در گفتمان‌های کلاسیک و سپس سنجیدن آن در پرتو گفتمان‌های موازی عصر مشروطه، نشان داد که این متن برخلاف هر آنچه که پیش‌ازاین در خصوص رمان‌های تاریخی و عوامل به وجود آمدن و عملکردهای آن گفته شده است، نه معطوف به نوعی نوستالژی منفعلانه است و نه الزاماً با ایده ناسیونالیسم می‌توان توجیه و راز و رمزهای آن را گشود. رازی ناظر بر اینکه چرا و به چه منظور سده‌ها پس از قیام مزدک، در ایران سده بیستم رُمانی خلق می‌شود که طرح و موتیف، کاراکترها و سایر عناصر آن، تحت تأثیر مستقیم واقعه مذکور قرار گرفته است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نویسنده این داستان، در امتداد قرائت‌های متجددانه از سنت مزدکی، سعی در احیاء و بازتولید دوباره این گفتمان در عصر جدید و در بافتار ایران مواجهه با سوداگری روس و انگلیس داشته است. بر این اساس *د/مگستران* در کنار نظریه‌های سیاسی - اجتماعی ناظر بر ایده برابری و پیشرفت متوازن در گفتمان مشروطیت و پس‌از آن، و به همراه یک مجموعه همگن، گفتمانی رادیکال را صورت‌بندی کرده‌اند که این گفتمان در تحلیل نهائی نظم مستقر سرمایه داری را در اواسط سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، با جدیت به پرسش گرفته است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Jafar Fasaee
Faramarz Khojasteh
Seyed Ali Seraj

 <http://orcid.org/0000-0001-9006-948X>
 <http://orcid.org/0000-0002-6307-5101>
 <http://orcid.org/0000-0001-5851-0933>

منابع

- آجودانی، ماشالله. (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آخوندزاده، فتحعلی. (۱۳۵۷). *الفبای جدید و مکتوبات*. به کوشش حمید محمدزاده. تبریز: احیا.
- آرین پور، یحیی. (۱۳۸۷). *از صبا تا نیما*. جلد دوم. چاپ نهم. تهران: زوار.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۴). *تجدد ادبی در دوره مشروطه*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- آقاگل زاده، فردوس و غیاثیان، مریم سادات. (۱۳۸۶). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. *زبان و زبانشناسی*، (۱)، ۵۴-۳۹.
- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. *ادب پژوهی*، (۱)، ۲۷-۱۷.
- ابن بلخی. (۱۳۷۴). *فارسانامه*. شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- استریناتی، دومینیک. (۱۳۸۸). *مقدم های بر نظریه های فرهنگ عامه*، ترجمه ثریا پاک نظر. چاپ پنجم. تهران: گام نو.
- امینی، علی اکبر. (۱۳۹۰). *گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب*. چاپ دوم. تهران: اطلاعات.
- بلعمی، ابوعلی محمد. (۱۳۸۳). *تاریخ بلعمی*. به تصحیح محمد تقی بهار. چاپ دوم. تهران: زوار.
- پارسانسب، محمد. (۱۳۸۱). *رُمان تاریخی: سیر و نقد و تحلیل رُمان های تاریخی فارسی ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲*. تهران: چشمه.
- ثعالی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالی*. ترجمه محمد فضائلی. جلد ۱. تهران: نقره.
- خسروی، خسرو. (۱۳۶۹). *مزدک*. چاپ دوم. سوئد: افسانه.
- خلعتیری، اللهیار و پرتوی مقدم، عباس. (۱۳۸۹). ویژگی های تاریخی و مؤلفه های جامعه شهری در اواخر دوره ساسانیان. *تاریخ ایران*، (۷)، ۷۰-۴۹.
- ربانی، ابراهیم. (۱۳۸۶). *تحلیل گفتمان انتقادی یکی بود یکی نبود، اثر جمالزاده*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

رزمجو، حسین. (۱۳۶۶). شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی. جلد ۲. مشهد: آستان قدس.

زرقانی، مهدی. (۱۳۹۱). چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم. تهران: ثالث.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۰). روزگاران؛ تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی. چاپ سوم. تهران: سخن.

سپانلو، محمدعلی. (۱۳۶۹). چهار شاعر آزادی. تهران: نگاه.

سپهران، کامران. (۱۳۸۱). ردپای تزلزل: رمان تاریخی ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰. تهران: شیرازه.

سراج، سیدعلی. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان غالب در رُمان‌های سیمین دانشور (سووشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

شاکری، خسرو. (۱۳۸۴). پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد. تهران: اختران.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه. تهران: سخن.

صنعتی زاده کرمانی، عبدالحسین. (۱۳۳۹). دامگستران یا انتقام خواهان مزدک. جلد اول. چاپ اول. بمبئی: بی‌نا.

_____ (۱۳۰۴). دامگستران. جلد دوم. تهران: مروج کتابچی.

فر کلاف، نورمن. (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان فاطمه شایسته پیران و دیگران. چاپ سوم. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

قائد، محمد. (۱۳۸۰). عشقی: سیمای نجیب یک آنارشیست. چاپ دوم. تهران: طرح نو.

کرمانی، میرزا آقاخان. (۱۹۰۶). آینه سکندری. بی‌جا: بی‌نا.

_____ (۲۰۰۰). سه مکتوب، بامقدمه بهرام چوبینه. آلمان: بی‌نا.

کلیما، اوتاکر. (۱۳۷۱). تاریخچه مکتب مزدک. ترجمه جهانگیر فکری ارشاد. چاپ اول. تهران: توس.

گرگی، مصطفی و سراج، سیدعلی. (۱۳۹۱). نقد سیاست‌زدگی در رُمان معاصر. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، (۲۷)، ۱۲۵-۱۵۸.

گریشمن، رُمان. (۱۳۷۲). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. جلد نهم. تهران: علمی و فرهنگی.

لاهوئی، ابوالقاسم. (۱۹۴۶). دیوان لاهوئی. مسکو: اداره نشریات به زبان‌های خارجی.

- لوکاچ، جورج. (۱۳۸۸). *زمان تاریخی*. ترجمه امید مهرگان. تهران: ثالث.
- مراغه‌ای، ابراهیم‌بیگ. (۱۳۶۲). *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ یا بلای تعصب او*. چاپ دوم. تهران: سپیده.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۴۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). *صد سال داستان‌نویسی ایران*. تهران: چشمه.
- ناصر، محمد. (۱۳۸۲). *تحول موضوع و معنی در شعر معاصر*. تهران: نشانه.
- نفیسی، سعید. (۱۳۸۸). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*. چاپ اول. تهران: پارسه.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۵۸). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*. ترجمه عباس زریاب. تهران: انجمن آثار ملی.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۶۲). *کیش مزدکی*. ترجمه م. کاشف. *ایران‌نامه*، ۲(۵)، ۴۲-۶.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۱). *درآمدی به گفت‌وگوهای شناسی*. چاپ اول. تهران: هرمس.
- یعقوبی، احمد ابن یعقوب بن واضح. (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. جلد اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۰). *دیداری با اهل قلم*. جلد دوم. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.

References

- Ajoudani, M. (2003). *Iranian Constitution*. Tehran: Akhtaran. [In Persian].
- Akhundzadeh, F. (1978). *The New Alphabet and Letters*. by Mohammadzadeh H. Tabriz: Ehya. [In Persian]
- Arianpour, Y. (2008). *From Saba to Nima*. Volume II. Tehran: Zavvar. [In Persian]
- Agand, y. (2005). *Literary Modernity in the Constitutional Period*. Tehran: Institute for Research and Development of Humanities. [In Persian]
- Aghagolzadeh, F and Ghiasian, M. (2007). Dominant Approaches in Critical Discourse Analysis. *Language and Linguistics*, (1), 39-54. [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2007). Critical Discourse Analysis and Literature. *Literary Research*, (1), 17-27. [In Persian]
- Amini, A. (2011). *Discourse of Iranian Political Literature on the Threshold of Two Revolutions*. ed II. Tehran: Etelaat. [In Persian]
- Balami, A. (2004). *Tarikh Balami*. ed II. Tehran: Zavvar. [In Persian]
- Fairclough, N. (2010). *Critical Analysis of Discourse*. Translated by Fatemeh Shayesteh Piran and Others. ed III. Tehran: Office of Media Studies and Development. [In Persian]
- Ghaed, M. (2001). *Eshghi*. ed II. Tehran: Tarh e no. [In Persian]

- Gorgi, M and Seraj, S. (2012). Critique of Politicization in Contemporary Novels. *Persian Language and Literature Research*, (27), 125-158. [In Persian]
- Grishman, N. (1993). *Iran from the beginning to Islam*. Translated by Mohammad Moin. Vol. 9. Tehran: Elmi va Farhanghi. [In Persian]
- Ibn Balkhi. (1995). *Farsnameh*. Shiraz: Fars Shenasi Foundation. [In Persian]
- Kermani, M. (1906). *Stumbling Mirror*. Bija: Bina. [In Persian]
- . (2000) *Three Letters*. Introduced by Bahram Choobineh, Germany. [In Persian]
- Klima, O. (1992). *History of Mazdak School*. Translated by Jahangir Fekri Ershad. Ch I. Tehran: Toos. [In Persian]
- kalatbari, A and Partovi Moghaddam, A. (2010). Historical features and components of urban society in the late Sasanian period. *History of Iran*, (7), 49-70. [In Persian]
- Khosravi, Kh. (1990). *Mazdak*. ed II. Sweden: Afsane, [In Persian]
- Lahouti, A. (1946). *Theological Court*. Moscow: Office for Publications in Foreign Languages. [In Persian]
- Lukcs, G. (2009). *Historical Novel*. Translated by Omid Mehregan. Tehran: Sales. [In Persian]
- Maraghehei, E. (1983). *Travelogue of Ibrahim Bey or the Plague of his Prejudice*. ed II. Tehran: Sepideh. [In Persian]
- Masoudi, A. (1965). *Moruj al-zahab va maaden al-jowhar*. Tehran: Institute of Translation. [In Persian]
- Mir Abedini, H. (2001). *One Hundred Years of Iranian Fiction*. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Nasser, M. (2003). *The Evolution of Subject and Meaning in Contemporary Poetry*. Tehran: Neshane. [In Persian]
- Nafisi, S. (2009). *History of Sassanid Iranian Civilization*. Vol. I. Tehran: Parseh. [In Persian]
- Noldeke, T. (1979). *History of Iranians and Arabs during the Sassanids*. Translated by Abbas Zaryab. Tehran: National Works Association. [In Persian]
- Parsansab, M. (2002). *Historical Novels: The course and critique of Persian historical novels 1284 to 1332*. Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- Rabbani, E. (2007). *Critical Discourse Analysis Yeki Bood Va Yeki Nabood, by Jamalzadeh*. Master Thesis, University of Tehran. [In Persian]
- Razmjoo, H. (1987). *Ancient Persian Poetry in the Scale of Critique of Islamic Ethics*. Vol. 2. Mashhad: Astan E Ghods. [In Persian]
- Strinati, D. (2009). *An Introduction to the Theories of Popular Culture*, translated by Soraya Paknazar. ed 5. Tehran: Gham e No. [In Persian]
- Sepanloo, M. (1990). *Four poets of freedom*. Tehran: Negah. [In Persian]
- Sepehran, K. (2002). *Traces of hesitation: Iranian historical novel 1320-1300*. Tehran: Shirazeh. [In Persian]

- Seraj, S. (2009). *Analysis of the dominant discourse in the novels of Simin Daneshvar (Suvashun, Jazire Sargardani and Sareban e Sargardan)*. Master Thesis, Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Shakeri, Kh. (2005). *Socio-economic backgrounds of the constitutional movement and the development of social democracy in that era*. Tehran: Akhtaran. [In Persian]
- Shafi'i Kadmeh, M. (2011). *With lights and mirrors*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Sanatizadeh Kermani, A. (1960). *Damgostaran or Avengers Mazdak*. Vol. I. [In Persian].
- . (1925). *Damgostran*. Volume II. Tehran: Moravej Ketabchi. [In Persian]
- Thalabi Neyshabouri, A. (1989). *Tarikh al-Tha'labi*. vol 1. Translated by Mohammad Fazaeli. Tehran: Noghreh. [In Persian]
- Yarshater, E. (1983). *Kish Mazdaki*. Translated by M. Kashif. Irannameh, 2(5), 6-42. [In Persian].
- Yarmohammadi, L. (2012). *An Introduction to Discourse Studies*. Vol. I. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Yaqubi, A. (1992). *Tarikh e Yaghoubi*. Volume I. Translated by Mohammad Ebrahim Ayati. Tehran: Elmi va Farhanghi. [In Persian]
- Yousefi, G. (1990). *A Meeting with the Writers*. Vol. II. Tehran: Elmi va Farhanghi. [In Persian]
- Zarghani, M. (2012). *Perspectives on Contemporary Iranian Poetry*. Tehran: Sales, [In Persian]
- Zarrinkub, A. (2001). *Times; History Of Iran from The Beginning to the fall of the Pahlavi dynasty*. ed III. Tehran: Sokhan. [In Persian]

استناد به این مقاله: فسایی، جعفر، خجسته، فرامرز، سراج، سیدعلی. (۱۴۰۱). تبیین جایگاه و عملکرد پادگفتمانی رمان تاریخی دامگستران یا انتقام‌خواهان مزدک. متن پژوهی ادبی، ۲۷(۹۵)، ۱۲۵-۱۵۴. doi: 10.22054/LTR.2021.52973.3076



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.